

زیستن در وضعیت پاندولی؛ مطالعه جامعه شناختی تجارب زیسته مهاجران افغان در ایران (مطالعه موردی: تجارب زیسته مهاجران افغان ساکن در محله کشتارگاه یزد)

رشید احمد رش^۱، معصومه عیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

مهاجرت به مثابه یک پدیده انسانی اثرات متعدد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بر زیست جهان افراد مهاجر و نیز مردمان بومی مقصد می گذارد، سابقه سه دهه‌ای حضور چشم‌گیر مهاجران افغانی در کشور، ضرورت پژوهش حاضر را برای مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها در ایران دو چندان می کند.

پژوهش حاضر در بازه‌ی زمانی حدود شش ماه و با مطالعه و مراجعه مکرر به محله‌ی کشتارگاه یزد، واقع در حاشیه‌ی شهر یزد صورت گرفته است. داده‌های مربوط به این کار پژوهشی با توجه به موضوع مورد مطالعه به شیوه کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه جهت تعیین اعتبار و روایی اطلاعات جمع‌آوری شده و نیز آزمودن صحت یافته‌های نظری از مراجعه مکرر و چندپاره به میدان تحقیق استفاده شده است.

نظریه‌های کارکردگرایی مهاجرت، نظریه وابستگی کربتز و هم‌چنین نظریه جذب و دفع هریل و اروت لی، چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهد. در نهایت این که مشاهدات، بررسی‌ها و مطالعه تجارب زیسته مهاجران، بیانگر وجود تقابل اجتماعی- فرهنگی هم در بعد عینی و هم ذهنی مابین ساکنان بومی منطقه مورد مطالعه و اتباع افغانی ساکن در آن منطقه است که این تقابل ناشی از عناصر و عواملی از جمله: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و محیطی است که در نهایت منجر به ایجاد بدبینی و نگرش منفی اهالی ساکن در محله کشتارگاه نسبت به اتباع افغانی ساکن در این محله شده است. در نهایت یافته‌های تحقیق ما را به ارایه نظریه زمینه‌ای "زیستن در وضعیت پاندولی" رهنمون شده است. به عبارت دیگر، بین بومی و مهاجر نوعی بازی دوگانه توام با سویه‌های طرد و جذب جریان دارد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، مهاجران افغانی، محله کشتارگاه یزد، نظریه زمینه‌ای، تجارب زیسته، وضعیت پاندولی

۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کردستان، سنندج، ایران، پست الکترونیکی: rahmadrash76@ut.ac.ir
۲ کارشناسی ارشد علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پست الکترونیکی: m.eidi26@yahoo.com

مقدمه

مهاجرت بین‌المللی پدیده‌ای است که به شکل‌ها و هدف‌های گوناگون انجام گرفته و احتمال دارد این روند همچنان ادامه داشته باشد. مهاجرت تنها انتقال مردم از محلی به محل دیگر نیست، بلکه عنصر مهمی در زندگی اجتماعی است که برای درک و فهم دگرگونی مستمر در پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع از اهمیت بسیار برخوردار است و لاجرم در بافت کلی جامعه مبدا و مقصد تغییرات مهمی ایجاد می‌کند (جرنی، ۱۳۶۷: ۵۸). یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی، پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است و در طول سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۹ حدود ۳۰ درصد از جمعیت افغانستان کشور خود را ترک گفته‌اند (UNHCR, 2003: 23). که منجر به، افزایش جمعیت در مقصد، تغییر در ترکیب جمعیت بر حسب سن، جنس، قومیت و همچنین پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی متعدد گردد. لذا پژوهش در رابطه با ورود مهاجران افغانی به ایران و ساکن شدن آن‌ها در مناطق مختلف، می‌تواند به شناخت وضعیت کنونی جامعه ما و درک بازاندیشی و پیامدها و آسیب‌های ناشی از این مسئله کمک کند.

مسئله پژوهش

حضور افغان‌ها در ایران از دیرباز به دلایل گوناگون از جمله اشتراک زبانی و تاریخی، مهاجرت‌های پراکنده فصلی برای کار و معیشت اقتصادی صورت گرفته است. اما سه دهه‌ای اخیر علاوه بر مهاجرت‌های اقتصادی که همواره جریان داشته‌اند، با سه موج بزرگ مهاجرت سیاسی از افغانستان به ایران و سایر کشورها نیز همراه بوده است. موج نخست بعد از تجاوز روسیه‌ی شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵، دومی پس از درگرفتن جنگ داخلی میان گروه‌های مختلف مجاهدین در فاصله سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ و سومی بعد از ظهور طالبان در ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱. در موج اول ۴۰ درصد و در موج دوم و سوم ۳۶ درصد افغانی-های مهاجر به ایران آمدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). اکثر مهاجران خارجی ساکن در ایران افغانی‌اند و ایران بعد از پاکستان، دومین کشور پذیرای مهاجران و پناهندگان افغانی است (سرشماری ۱۳۸۵؛ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۰۷). با این وصف مساله اصلی این پژوهش مطالعه کیفی وضعیت و تجارب زیسته مهاجرین افغانی در ایران باتاکید بر مهاجران افغانی ساکن در شهر یزد است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

سابقه سه دهه‌ای حضور چشم‌گیر مهاجران افغانی در کشور، دلایل محکمی را برای مطالعه‌ی جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها در ایران مهیا می‌کند. مهاجرت می‌تواند تأثیرات زیادی را بر وضعیت زندگی مهاجران اعمال کند. بنابراین ویژگی‌های افغان‌ها در ایران می‌تواند به طور معناداری با ویژگی‌های هم‌وطنانشان در افغانستان متفاوت باشد. آن‌ها، همچنین از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی، با ساکنان کشور مقصد تفاوت دارند. لذا بررسی وضعیت آن‌ها برای خود مهاجران، جامعه مقصد و جامعه مبدا مفید خواهد بود (به نقل از محمودیان، ۱۳۸۴). استان یزد و به ویژه شهر یزد امروزه یکی از کانون‌های جذب مهاجرین چه

داخلی و چه خارجی است و یکی از مهاجرپذیرترین مناطق ایران به حساب می آید. شهر یزد در این سه دهه به دلیل اینکه یکی از امن ترین شهرهای ایران به شمار می رفت و به ویژه شرایط بهتر کسب و کار نسبت به سایر شهرها داشت به یکی از مراکز مهم جذب مهاجرین داخلی و خارجی تبدیل شد. امروزه بر اساس گزارش ها بیش از ۱۰۰ هزار نفر تبعه افغانی به صورت مجاز و غیرمجاز در استان یزد زندگی می کنند و این حجم جمعیت اثرات و پیامدهای متفاوتی را در بردارد که نیازمند تحقیق است. حضور سه دهه ای مهاجرین افغانی در استان یزد کارکردهای مثبت و منفی داشته است. برای مثال با توجه به شرایط و تنگناهای اقتصادی کشورمان و نرخ بالای بیکاری، جمعیت مهاجرین بسیاری از فرصت های شغلی را اشغال کرده اند و این موجب نارضایتی خیل عظیمی از مردم شده است و از طرفی دیگر عدم پرداخت مالیات از سوی آن ها مشکلاتی را برای دولت بوجود آورد، است. همچنین بسیاری از این افراد به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی دست به بزهکاری و جرم و جنایت از جمله سرقت، ادمربایی، قتل، تجاوز، زورگیری، اقدامات مسلحانه و ... می پردازند. از لحاظ فرهنگی و مذهبی جامعه ی ما با مهاجرین تفاوت های فراوانی دارد که هر از گاهی باعث ایجاد تقابل مردم با آنها می شود. در بعد جمعیتی، خانواده های افغانی دارای نرخ بالای فرزند آوری و گسترده هستند که به مرور زمان باعث به هم خوردن ترکیب جمعیت جامعه و کشور ما می شود که این مسئله نیز باعث نگرانی هایی در حوزه ی مذهبی، امنیتی، اقتصادی خواهد داشت. کشور افغانستان به دلیل عدم ثبات سیاسی در سال های اخیر به بزرگترین پایگاه تروریست های جهان مبدل شده و بیمرد، اختلال در امنیت ملی به وسیله تروریست ها در کشورمان وجود دارد. تمام این شرایط باعث به وجود آمدن یک نوع بدبینی شهروندان استان و نسبت به این مهاجران می شود که موجب تقابل میان آنها خواهد شد. ما همواره حداقل سالی چند بار شاهد درگیری شهروندان با این اتباع بیگانه هستیم. مسائل و نگرانی های مورد بحث باعث شد به بررسی نظرات و دیدگاه ساکنین شهر یزد نسبت به مهاجرین افغانی با تعدادی از شهروندانی که اکثرا با این اتباع افغانی در یک محل سکونت دارند بپردازیم.

هدف پژوهش

هدف اصلی مطالعه حاضر دیدگاه مردم محله ی کشتارگاه شهر یزد نسبت به مهاجرین افغانی است. اینکه آیا ساکنین محله ی کشتارگاه در همسایگی و مجاورت با مهاجرین افغان احساس امنیت می کنند؟ روابط همسایگی ساکنان یزدی و مهاجران افغان چگونه است؟ بررسی فهم روابط اجتماعی بین مردم و مهاجرین افغانی و عوامل موثر بر این دیدگاه از جمله دیگر موارد مورد بررسی در پژوهش حاضر می باشد.

پژوهش های پیشین

درباره وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران افغانی در ایران مطالعات محدودی انجام شده است که بیشتر آنها به صورت کمی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده اند. از جمله کارهای انجام شده می توان به موارد زیر اشاره کرد. احمدی موحد (۱۳۸۲) نشان داده است که افغان ها هم نسبت به سایر

مهاجران (عراقی‌ها) و هم نسبت به ایرانی‌ها در وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری قرار دارند. وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمعیت مهاجر ایران، با تأکید بر مهاجران افغانی، و اثرات حضور آن‌ها در گزارش توسعه‌ی انسانی (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۲۰۰۶) کشور منعکس شده است (به نقل از محمودیان، ۱۳۸۴). از طرف دیگر، بررسی وضعیت جمعیتی و بهداشت باروری مهاجران افغانی در ایران موضوع بعضی از مطالعات را تشکیل داده است (پرویش، ۱۳۸۳؛ پیران، ۲۰۰۴؛ توبر، ۱۳۸۳؛ رخسانی و دیگران، ۱۳۸۱؛ معموری و اراقمی، ۱۳۷۸؛ مقدس و واعظ زاده، ۱۳۸۳). در مقایسه باروری زنان افغانی با زنان ایرانی در مشهد، مطالعه پرویش (۱۳۸۳) باروری بالاتر افغان‌ها را ثبت کرده است. ارتباط بین عوامل نشان دهنده‌ی انطباق، نظیر میزان ارتباط با ایرانیان و گوش دادن به رادیو ایران، رابطه‌ی معناداری را با میزان باروری نشان نداد (پرویش، ۱۳۸۳). جمشیدی‌ها و علی‌بابایی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ی خود در مورد عوامل موثر بر بازگشت اختیاری پناهندگان افغانی در گلشهر مشهد، نگرش‌های متفاوت افغان‌ها در مورد بازگشت را منعکس کرده‌اند. تمایل افغان‌ها برای بازگشت با توجه به شرایط زمان تحقیق، بر حسب محل سکونت در افغانستان (ساکنین روستاها به علت سختی و عدم امنیت در مناطق روستایی کمتر مایل به بازگشت بودند)، جنس (تمایل کمتر زنان برای بازگشت)، تحصیلات (تمایل کمتر افراد کمتر تحصیل کرده) و امنیت شغلی و اقتصادی (تمایل کمتر برای افراد با وضعیت اقتصادی بهبود یافته و بهتر) متفاوت بود (جمشیدی‌ها و عنبری، ۱۳۸۳). هم‌چنین در تحقیقی که عباسی شوازی و گلازبروک^۱ (۲۰۰۶) درباره‌ی مهاجران افغانی در سه شهر تهران، مشهد و زاهدان انجام داده‌اند به بررسی وضعیت زندگی و شیوه‌های معیشت جاری این مهاجران و فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با بازگشت آن‌ها به افغانستان پرداخته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر خانوارهای مهاجر ساکن ایران در شبکه‌هایی فراملی مشارکت کرده‌اند؛ شبکه‌هایی که پلی میان وطن این مهاجران یعنی افغانستان و ایران و پاکستان به عنوان جوامع میزبان است. تماس میان اعضای این شبکه در حالت اولیه به واسطه‌ی نامه و تلفن برقرار شده و تماس غیرمستقیم از طریق اطلاع یافتن از احوال خویشاوندان به واسطه‌ی آشنایانی میسر می‌شود که به افغانستان بازگشته‌اند یا از آن مسافرت می‌کنند. خانوارهای پاسخگو در این تحقیق ادعا هم در ایران و هم در افغانستان، به حساب می‌آید (عباسی شوازی و گلازبروک، ۲۰۰۶). در مطالعه دیگری در باب شبکه‌های فراملی مهاجران افغان ساکن ایران بر اهمیت این شبکه‌ها در بازسازی کشور افغانستان تأکید می‌کنند. محققان نتیجه گرفتند که باید به مهاجرت به عنوان یک شیوه‌ی مثبت معیشت برای افغان‌ها نگریسته شود. آنان نشان می‌دهند که کارگران مهاجر فعالانه به معیشت خانواده و بازسازی کشورشان کمک می‌کنند و به طور کلی سیستم مهاجرت و انتقال پول برای شبکه‌هایی که از لحاظ جغرافیایی پراکنده‌اند زمینه‌ی حفظ روابط اجتماعی قوی را فراهم می‌سازد. شبکه‌های خویشاوندی و دوستی برای این مهاجران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه این شبکه‌ها مهاجران تازه‌وارد را حمایت می‌کنند. این تحقیق نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی افغان‌ها در ایران به عنوان منابع همبستگی، قرض‌دهی، انتقال فرهنگ و رسوم ایرانی و ارتباط با بازار

کارکردند پول اندکی را از ایران به افغانستان می‌فرستند و تنها تعداد اندکی گفتند که به طور مرتب به کشورشان پول می‌فرستند؛ این پول صرف خویشاوندانی می‌شود که به افغانستان بازگشته و در کارهایی ناتوان بوده‌اند (عباسی‌شوازی و گل‌زبروک، ۲۰۰۶). در تحقیق دیگری که عباسی‌شوازی و همکارانش درخصوص بازگشت مهاجران افغان ساکن تهران به کشورشان انجام داده‌اند شبکه‌های اجتماعی مهاجران به سه دسته ایرانیان، بستگان و آشنایان افغان ساکن در ایران و اقوام و خانواده‌های مقیم افغانستان تقسیم شده است (عباسی‌شوازی و دیگران؛ ۲۰۰۵).

چهارچوب مفهومی پژوهش

دیدگاه‌های گوناگونی برای تبیین مهاجرت، دلایل و پیامدهای آن از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. از جمله این دیدگاه‌ها، نظریه کارکردگرایی مهاجرت است. این نظریه بر تبیین و دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت اعتقاد دارد که در هر نظام بدون وجود پوشش‌های انسانی تعادل بر هم می‌خورد. مهاجرت عنصری الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه است، از این جهت، مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده بدل می‌گردد و از طرف دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه بر می‌گرداند. آن‌ها بعد از تبیین علل مهاجرت و اعتقاد به کارکرد مثبت برای آن، به آثار مهاجرت بر ساخت مبداء، مقصد و وضعیت شخص مهاجر می‌پردازند. به اعتقاد این گروه، ساخت جامعه مقصد مهاجر را از ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند. مهاجر بعد از همانند شدن به یگانگی با آن دست می‌یابد. بنابر اعتقاد کارکردگرایان، نظام مقصد، نهایتاً مهاجر و نسلهای پا گرفته از آن را مانند اعضای دایمی خود با خصایص اقتصادی - اجتماعی می‌پذیرند. به طور کلی، آنها مهاجرت را عاملی مطمئن برای جلوگیری از آسیبهای اجتماعی ناشی از عدم تعادل در جامعه می‌دانند (به نقل از محسن شاطریان و محمود گنجی پور، ۱۳۸۹). پیروان نظریه وابستگی نیز اعتقاد دارند مهاجرت معلول توسعه نابرابر است. از نظر معتقدان به این رویکرد، مهاجرت نه تنها شکل دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است، بلکه خود باعث تقویت وابستگی این کشورها نیز می‌شود. مهاجرت از طرفی عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است و از طرف دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارضایتی‌های منطقه مهاجرپذیر است، زیرا با خروج مهاجران از منطقه، نیروی کار کاهش می‌یابد و برای آن راه حلی نیست، مگر اینکه تغییرات ریشه‌ای در ساخت کشورهای جهان سوم و ارتباط آنها با کشورهای توسعه یافته غرب اتفاق افتد (پورتر^۱، ۱۹۸۷؛ لهسانی زاده، ۱۳۶۸).

به نظر کرتیز^۲ و همکارانش که نمایندگان نظریه سیستمی مهاجرت هستند، مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدا و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند، به طور تنگاتنگی با سایر حلقه‌هایی که در هم تنیده شده، سیستمی را به وجود می‌آورند، مهاجرت را شکل داده، به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند، از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به شکلی ی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر می‌

1 Portez

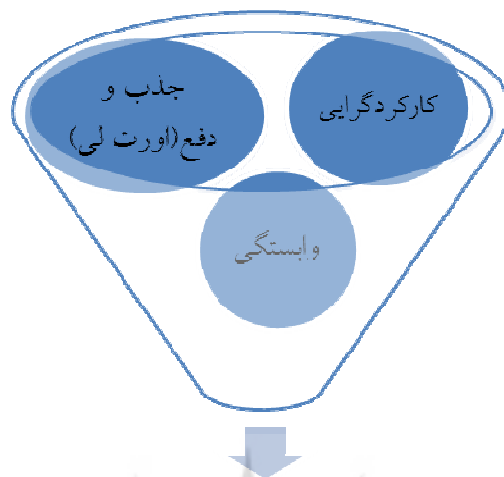
2 kritz lime

گذارند، بلکه به عنوان مجموعه ای تفکیک ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده آن را تلاوم می بخشد (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۹). از سوی دیگر، نظریه جذب و دفع که بر اساس کار هرل در اوایل دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت، مهاجرت را ناشی از دو عامل می داند: الف) نیروی دافعه؛ عواملی که سبب می شود فرد مکان زندگی خود را ترک کند امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد؛ ب) نیروی جاذبه؛ عواملی که سبب می شوند فرد به سوی مکان دیگر جذب شود. مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست (هرل^۱، ۱۹۳۸: ۳۵، موبرگنج، ۱۳۶۸: ۱۴۹). در دیدگاه اخیر، نظریه اورت لی^۲ از جامعیت بیشتری برخوردار است، چرا که او علاوه بر عوامل مبدا و مقصد، به عوامل مداخله گر "عوامل شخصی" در مهاجرت توجه کرده است. تحت تاثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می دهند و به آن مبادرت می ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می مانند (لی، ۱۳۶۸: ۶۱). با توجه به نقش عوامل جاذبه و دافعه در مبدا و مقصد مهاجران، بوگ به سه مورد انگیزه مهاجرت (عوامل موثر در انتخاب مقصد و شرایط اجتماعی - اقتصادی موثر در مهاجرت) اشاره می کند. این عوامل به طور خلاصه عبارتند از: انگیزه های مهم مهاجرتی: تحصیلات، تاهل، عرضه مشاغل و فرصت های شغلی یا منابع درآمد، مهاجرت های ویژه، انتقال شغلی، دستمزد کم، بلایای طبیعی، آوارگی، هجوم و نفوذ بیگانگان، فشارهای سیاسی و نژادی و مذهبی، حرکت های اجباری و ...

- عوامل موثر در انتخاب مقصد: حضور وابستگان و دوستان و تمایل زندگی با آنها، عرضه شغل، جذابیت محیط، تسهیلات شغلی و ...

- شرایط اقتصادی - اجتماعی موثر در مهاجرت: سرمایه‌گذاری پر اهمیت و کسادی یا بالا و پایین رفتن امور تجاری، تغییرات تاکتیکی، مقررات رفاه اجتماعی، سیاست‌های مهاجرتی، میزان پذیرش اقلیت‌ها در شکل‌های مختلف (مزیدی، ۱۳۸۵، ۱۴۸). از سوی دیگر، بعضی دانشمندان معتقدند از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثرند: الف). فشارهای اکولوژیک، ب) عوامل ناهنجاری؛ ج) انگیزه‌های اقتصادی؛ د) انگیزه‌های روان‌شناختی (فاست، ۱۹۸۲: ۱۰۹؛ جلالیان، ۱۳۸۶، ۹۰). مهاجرت افغان‌ها به کشورهای همسایه نوعی مهاجرت اضطراری یا اجباری ناسالم توأم با تخریب است. عامل اصلی این نوع مهاجرت، جنگ و نا آرامی های داخلی افغانستان و از سوی دیگر، ویژگی‌های جاذب مقصد "نزدیکی مکانی، اشتراک مذهبی و ... " است (بریگو^۴ و روا، ۱۳۶۷؛ محقق، ۱۳۷۷: ۹۷؛ به نقل از شاطریان و گنجی پور، ۱۳۸۹).

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را ترکیبی از نظریه‌های کارکردگرایی مهاجرت، نظریه وابستگی کریتز و همکارنش و نظریه سیستمی مهاجرت) و نظریه جذب و دفع مهاجرت (اورت لی) شکل می‌دهند که در این پژوهش بیشتر بر نظریه جذب و دفع مهاجرت و نقش نیروهای دافعه و جاذبه ای که زمینه مهاجرت افغان‌ها به ایران و این محله را فراهم می‌کند تاکید می‌شود.



چهارچوب ترکیبی نظریه های پژوهش

نمودار شماره (۱). چهارچوب تلفیقی تحقیق

زمینه تحقیق

محلّه مورد بررسی در این پژوهش (کشتارگاه یزد) یکی از محلّه‌های محروم شهر یزد است که بین بلوار نواب صفوی، صابر، بهمن و ملائک قرار گرفته است و از محلّه‌های حاشیه‌ای شهر یزد محسوب می‌شود. این محلّه از گذشته به دلیل این که محل ذبح دام و طیور بوده، به کشتارگاه شناخته می‌شد. این محلّه یکی از بافت‌های فرسوده شهر است که دارای مشکلات متعدد از جمله: نارسایی‌ها تاسیسات و خدمات شهری، آلودگی‌های بصری و زیست محیطی، کیفیت پایین ساخت و سازها، فقدان امنیت اجتماعی، عدم تعلق ساکنین آن نسبت به محیط سکونت خود، وجود مشاغل غیر رسمی، بالا بودن سهم بیکاری، نداشتن بنیان‌های پایدار اشتغال و فعالیت، محل سکونت اقشار فرودست اقتصادی و اجتماعی است. یکی از افراد مورد بررسی در این رابطه می‌گفت:

"زندگی در این محلّه اسفناک است و هیچ نهاد خدماتی به این محلّه خدمات رسانی نمی‌کند چون بیشتر اهالی خانه‌های خودشون را ترک کرده و خانه‌های این محلّه در اختیار اتباع بیگانه از جمله افغانی‌ها قرار گرفته است". (مرد، ۳۷ ساله).

ساکنان این محلّه را بیشتر شهروندان یزدی و افراد مهاجر به ویژه اتباع افغانی تشکیل می‌دهد. یکی از دلایلی که باعث شده است این افراد در این محلّه ساکن شوند عدم توانایی مالی و ارزان بودن زمین می‌باشد. بیشتر اتباع افغان کارهایی نظیر خرید و فروش ضایعات، نگهداری دام، کار در کوره‌های آجر پزی و مشاغل دیگر مشغول هستند. این محلّه نیز دارای امکانات پایین تفریحی، فرهنگی می‌باشد و خیابان‌ها و کوچه‌هایی که بیشتر ساکنان افغانی در آنجا هستند از امکانات بسیار پایینی برخوردار است.

روش پژوهش

برای انجام هر تحقیق ابتدا باید هدف را مشخص کرد. رویکرد هر تحقیقی بستگی زیادی به هدف و موضوع مورد مطالعه ی پژوهشگر دارد. به طور کلی موضوعاتی که بیشتر در مورد کشف و فهم و علت یابی هستند در حوزه ی تحقیقات کیفی جای می‌گیرند و در اینجا ما با توجه به موضوع تحقیق از رویکرد کیفی استفاده کردیم. پژوهش کیفی شامل روش‌های چندگانه‌ای است که نسبت به موضوع مورد نظر خود رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه دارند. به این معنی که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را در محیط طبیعی آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهند و می‌خواهند این پدیده‌ها را بر حسب معنایی که افراد به آنها می‌دهند، ادراک یا تفسیر کنند (دنزین^۱ و لینکلن^۲، ۱۹۹۴، ۲). برای انجام تحقیقات کیفی راهبردهای گوناگونی از جمله: قوم‌نگاری، روش‌شناسی قوم‌شناختی، پدیدارشناسی، مطالعه‌ی موردی، نظریه‌ی زمینه‌ای و ... وجود دارد. راهبرد مورد استفاده در پژوهش حاضر استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای و هم‌چنین در این راهبرد از رمزگذاری نظری استفاده شده است. نظریه‌ی زمینه‌ای برای اولین بار توسط گلیزر و اشتراوس در سال ۱۹۶۷ مطرح گردیده است (اشتراوس و کوربین^۳، ۱۹۹۴، ۲۷۵). منظور از نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه‌ی برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظامند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استخراج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای اینکه مطالعه‌ی خود را با نظریه‌ی از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه‌ی مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ۱۲). تفاوت اساسی میان راهبرد نظریه‌ی زمینه‌ای با سایر راهبردهای پژوهش کیفی تاکید این راهبرد بر تکوین نظریه است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۴، ۲۷۴). تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه‌ی زمینه‌ای گردآوری می‌شوند، با استفاده از "رمزگذاری نظری" انجام می‌گیرد. در این شیوه، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص داده می‌شود و این رمزها در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی می‌شوند که این فرایند، رمزگذاری آزاد نامیده می‌شود. سپس پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند (حریری نجلا، ۱۳۸۵، ۱۱۱).

گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد و پژوهشگر با توجه مسئله پژوهش و راهبردی که برای اجرای پژوهش انتخاب کرده است، از روش‌های مختلفی مانند، مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد، پیشینه‌ها و غیره برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده می‌کند. بهترین رویکرد گردآوری داده‌ها در مورد هر پژوهش، رویکردی است که داده‌های حاصل از آن، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش و تحقق اهداف مطالعه، بهترین کارکرد را داشته باشد. مهم‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات شامل مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد، پیشینه‌ها و پیمایش‌ها، عکس، ویدئو، و فیلم و

1 Densin

2 Lincoln

3 Struss and Corbin

یادداشت‌های پژوهشگر است (نجلا حریری، ۱۳۸۵، ۱۴۵). در این مطالعه محققان از تکنیک مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده‌اند.

ملاک اصلی انتخاب شرکت کنندگان برای پژوهش کیفی، تجربه کردن پدیده‌ی مورد مطالعه است. در پژوهش پدیدارشناختی، شرکت کنندگان در پژوهش باید قادر به توصیف کامل و دقیق موضوع مورد مطالعه باشند (پلکینگ هورن^۱، ۱۹۸۹، ۴۷) و ارتباط نزدیکی با پدیده‌ی مورد مطالعه داشته باشند (رتز و وارن زورن^۲، ۱۹۸۷، ۱۱). بر خلاف پژوهش کمی که با استفاده از فنون مختلف نمونه‌گیری احتمالی، انتخاب مواردی را هدف قرار می‌دهد که نماینده‌ی واقعی و معرف کل جامعه‌ای باشند که این موارد از آن گرفته شده‌اند، پژوهش کیفی نمونه‌های خود را به صورت هدفمند انتخاب می‌کند. نمونه‌گیری هدفمند که بر مفهوم نمونه‌گیری نظری استوار است، راهبردی است که بر اساس آن پژوهشگر تمدا به انتخاب محیط‌ها، افراد یا رخدادها و ویژه‌ای اقدام می‌کند که تامین کننده‌ی اطلاعات مهمی هستند که به دست آوردن آن از طریق سایر انتخاب‌ها میسر نیست (ماکسول^۳، ۱۹۹۶، ۷۰).

در این پژوهش از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی هدفمند مورد استفاده قرار گرفته شده است. منطق نمونه‌گیری هدفمند، عبارت از انتخاب موارد غنی از اطلاعات، یعنی انتخاب مواردی است که امکان مطالعه‌ی عمیق را فراهم می‌سازند. موارد غنی از اطلاعات، مواردی هستند که پژوهشگر از طریق آنها می‌تواند اطلاعات فراوانی درباره‌ی موضوع‌های اساسی مربوط به مسئله و هدف پژوهش به دست آورد. (نجلا حریری، ۱۳۸۵، ۱۳۳). نمونه‌ی این پژوهش نیز با توجه به بحث اشباع نظری در اینجا نمونه حدود سیزده مورد بود که پس از جرح و تعدیل پاسخ‌ها به ده مورد رسید. در این پژوهش تحلیل داده‌ها از طریق رمز گذاری نظری صورت گرفته است.

اعتبار^۴ و پایایی^۵ پژوهش

در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی. به اعتقاد اووه فیلک^۶ (۱۳۸۷: ۴۱۰) نقل شده در ازکیا و احمدرش (۱۳۹۱)، یکی از روش‌های افزایش اعتبار، "باورپذیر کردن گزینشی" است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن یا نقل و قول‌هایی قابل قبول که در پژوهش حاضر، موارد متعددی از آن‌ها به منظور باورپذیر کردن یافته‌های پژوهش بیان شده است. برای سنجش اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی به طور کلی و مصاحبه‌ها عمیق و... از روش‌های زاویه‌بندی استفاده می‌شود که در آن سه زاویه یا منبع برای ارزیابی و صحت مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای سنجش اعتبار یافته‌های پژوهش از روش مقایسه یافته‌های پژوهش با برخی از پژوهش‌های داخلی پیشین (برای مثال، احمدرش ۱۳۹۱ پژوهش، ۱۳۸۳ و احمدی موحد ۱۳۸۲) بهره بردیم.

1 Polkaing Horne

2 Warren zoon

3 Maxwell

4 validity

5 Reliability

6 Eve Flake

یافته‌های پژوهش

بعد از اولین مراجعه به محله‌ی مورد نظر، تلاش کردیم با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش که در ابتدا بسیار کلی بود به نمونه‌گیری نظری بپردازیم. در همه مراحل نمونه‌گیری و مراجعات مکرر به محله کشتارگاه و انجام مصاحبه‌ها، تلاش کردیم که با قشرهای مختلف زن و مرد و تحصیل کرده و بی سواد که در همسایگی و مجاورت با افغان‌ها بودند مصاحبه کنیم. مصاحبه‌هایی که انجام می‌شد از نوع مصاحبه نیمه باز بود. که مصاحبه‌ها اغلب با گوشی ضبط می‌شد و بعد از بازگشت از محله گوش داده می‌شد و ثبت می‌شد و البته در حین مصاحبه مشاهده‌های میدانی نیز ثبت می‌شد. بعد از چندبار مراجعه به میدان تحقیق و انجام مصاحبه‌های اولیه تعیین موضوع انجام شد و در مرحله بعد نیز پرسشنامه‌ای با حدود ده سوال طراحی کردیم و از پاسخ‌گویان خواستیم که به پرسش‌ها پاسخ داده و نظرات خود را در مورد سوالات مطرح کنند. با سیزده نفر از اهالی مصاحبه کردیم که در نهایت بعد از شرح و تعدیل ده تا از آن‌ها انتخاب شد. بررسی این مصاحبه‌ها به شناخت موضوع مورد بررسی و عمق و جهت تغییرات کمک بسیاری کرد. بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌های اکتشافی به محدود شدن مسئله مورد مطالعه بسیار کمک کرد. حوزه‌های نهایی مورد مطالعه عبارتند از: ۱. امنیت اجتماعی؛ ۲. تعارض فرهنگی؛ ۳. ارتباط درون قومی؛ ۴. کشمکش اجتماعی؛ ۵. طرد اجتماعی و عدم رضایت؛ ۶. سلطه اجتماعی و فرهنگی؛ ۷. تحریم اجتماعی؛ ۸. تغییرات جمعیتی؛ ۹. کنترل اجتماعی؛ ۱۰. از هم گسیختگی اجتماعی.

جدول ۱: تعداد مفاهیم، مقولات جز و عمده به تفکیک حوزه‌های ده‌گانه مورد بررسی

ردیف	حوزه مورد بررسی	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقولات جز استخراج شده	مقولات عمده ادغام شده
۱	امنیت اجتماعی	۲	۲	۱
۲	تعارض فرهنگی	۳	۲	۱
۳	ارتباطات درون قومی	۲	۲	۱
۴	کشمکش اجتماعی	۲	۲	۱
۵	طرد اجتماعی	۲	۲	۱
۶	سلطه اجتماعی فرهنگی	۳	۲	۱
۷	تحریم اجتماعی	۲	۱	۱
۸	تغییرات جمعیتی	۳	۲	۱
۹	کنترل اجتماعی	۳	۱	۱
۱۰	از هم گسیختگی اجتماعی	۳	۱	۱
جمع		۲۵	۱۷	۱۰

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های آغازین جمله به جمله خوانده شد و پس از کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها مقولات اولیه مشخص شد. با تحلیل‌های جزئی همان‌طور که در جدول شماره یک نیز ملاحظه می‌شود، با استفاده از رویه‌های طرح پرسش و مراجعه مکرر به داده‌ها، داده‌های خام به مفاهیم تبدیل گردید. در نهایت، در این مرحله، ۲۵ مفهوم، حدود ۱۷ مقوله جز و ۱۰ مقوله ادغام شده و یک مقوله نهایی تحت عنوان تقابل اجتماعی- فرهنگی ساخته شد. چون روش تحلیل مورد استفاده روش نظریه‌مبنایی بود لذا مراجعه به میدان و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل همزمان آن‌ها تا آخرین مرحله پژوهش ادامه پیدا کرد.

فرآیند مفهوم سازی

با توجه به این‌که موضوع مورد بررسی حوزه‌های گسترده‌ای داشت لذا سعی شد با انجام مصاحبه از افراد مطلع و آشنا به مسئله مورد بررسی تا حدودی دامنه بحث را محدود کرده و چارچوب پرسش‌ها و حدود و ابعاد موضوع مورد بررسی مشخص شود در این راستا در طی انجام مصاحبه برخی حوزه‌هایی که با هم هم‌پوشانی بالایی داشتند در هم ادغام شدند. در نهایت حوزه‌های مورد بررسی به ده حوزه به شرح زیر تقلیل پیدا کرد که مقوله‌های ادغام شده مربوط به هر کدام از آن‌ها و مقوله عمده یا هسته اولیه و نوع آن‌ها در جدول شماره ۲ بیان شده است.

جدول شماره ۲: مقولات عمده استخراج شده به ابعاد شریاطی، تعاملی و پیامدی.

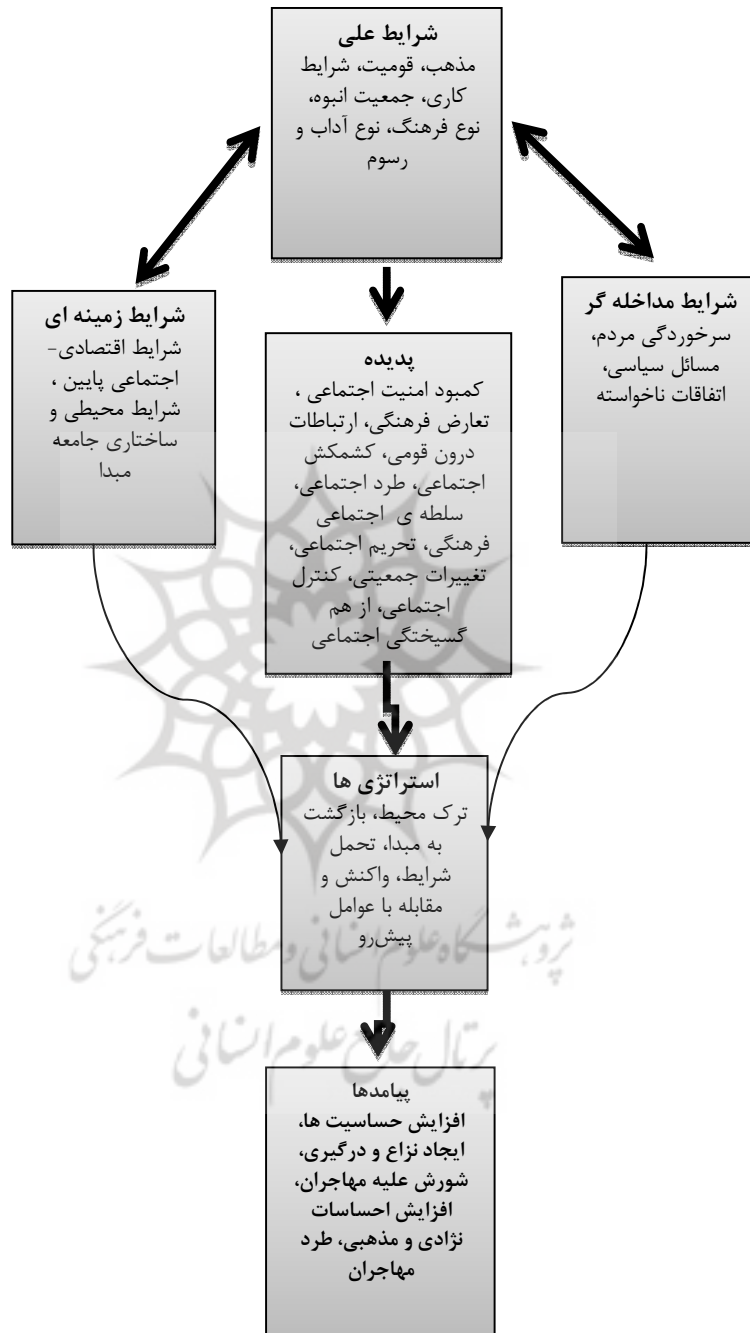
ردیف	حوزه مورد بررسی	مقولات جزئی	مقولات عمده	نوع مقوله
۱	امنیت اجتماعی	۱. امنیت پایین (۶)	نداشتن امنیت	پیامدی
		۲. امنیت متوسط (۴)		پیامدی
۲	تعارض فرهنگی	۱. فرهنگ پایین (۳)	فقر فرهنگی بهداشت نامناسب (۲)	پیامدی
		۲. عدم نظافت (۴)		زمینه ای
		۳. پوشش نامناسب (۳)		زمینه ای
۳	ارتباطات درون قومی	۱. نداشتن رابطه (۵)	عدم رابطه	تعاملی
		۲. رابطه بسیار ضعیف (۵)		تعاملی
۴	کشمکش اجتماعی	۱. ایجاد درگیری‌های جزئی (۴)	تضاد فرهنگی تقابل اجتماعی	پیامدی
		۲. درگیری‌های ریشه‌دار (۶)		پیامدی
۵	طرد اجتماعی	۱. نارضایتی مردم (۳)	نارضایتی	پیامدی
		۲. اخراج اتباع افغانی (۷)		پیامدی
۶	سلطه اجتماعی- فرهنگی	۱. مسلط شدن بر مردم (۴)	مسلط شدن مشکلات ایمنی (۲)	پیامدی
		۲. ایجاد ناامنی (۳)		پیامدی
		۳. افزایش جرم و جنایت (۳)		پیامدی
۷	تحریم اجتماعی	۱. امکانات محدود (۶)	محدودیت امکانات	زمینه ای
		۲. عدم امکانات (۴)		زمینه ای

ادامه جدول شماره ۲: مقولات عمده استخراج شده به ابعاد شریطی، تعاملی و پیامدی.

ردیف	حوزه مورد بررسی	مقولات جزئی	مقولات عمده	نوع مقوله
۷	تحریم اجتماعی	۱. امکانات محدود (۶)	محدودیت امکانات	زمینه ای
		۲. عدم امکانات (۴)		زمینه ای
۸	تغییرات جمعیتی	۱. غلبه جمعیت مهاجران (۳)	تغییرات مذهبی، سیاسی، جمعیتی	پیامدی
		۲. تغییرات ترکیبی مذهبی (۴)		پیامدی
		۳. افزایش نظارت دولتی (۳)		پیامدی
۹	کنترل اجتماعی	۱. ایجاد سکونت گاه‌های جداگانه (۴)	جداسازی کنترل و اخراج آن‌ها (۲)	پیامدی
		۲. اخراج افغان‌ها		پیامدی
		۳. نظارت افغان‌ها		پیامدی
۱۰	ازهم‌گسیختگی اجتماعی	۱. تضعیف امنیت (۴)	مشکلات اجتماعی (۲) آلودگی محیطی	پیامدی
		۲. افزایش جرم مشکل اشتغال (۳)		پیامدی
		۳. ایجاد آلودگی (۳)		پیامدی

کدگذاری محوری: در این مرحله از پژوهش سعی کردیم مفاهیم و مقوله‌های اولیه در کدگذاری باز را بار دیگر با استفاده از مدل پارادایمی دوباره در ارتباط یکدیگر قرار دهیم. در این مرحله نیز دو راهبرد "پرسش" و "مقایسه" به‌طور منظم مورد استفاده قرار گرفت.

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی برای آخرین قدم در تجزیه و تحلیل دلالت دارد. در این مرحله، ادغام مفاهیم بر محور مقوله اصلی و تکمیل مقوله‌هایی انجام می‌شود که به گسترش و اصلاح نیاز دارد. هم‌چنین یادداشت‌ها و نمودارها مانند یک آینه، پیچیدگی و عمق تفکر را نشان می‌دهد که باعث پیدایش نظریه می‌شود (کوربین و اشتروس، ۱۳۸۵: ۲۱۷، نقل در ازکیا و احمدرش ۱۳۹۱).



نمودار شماره ۲: مدل نهایی پارادایمی نگرش اهالی کشتارگاه نسب به مهاجران افغانی

شرایط علی مربوط به مقوله مرکزی در مدل نهایی

باتوجه به آنچه که در بخش‌های قبلی و به‌ویژه در مدل‌های مربوط به بخش کدگذاری محوری موردتوجه قرارگرفت، عوامل و شرایط متعددی وجود دارند که موجب تغییر در نگرش اهالی کشتارگاه نسبت به اتباع افغانی در این محله می‌شوند که این عناصر و عوامل عبارتند از:

"مذهب" و "قومیت"، شاید مهم‌ترین دلیل بر ایجاد نگرش منفی اهالی نسبت به افغان‌ها باشد چرا که افغان‌های ساکن در این محله دارای مذهب سنی بوده ولی اهالی ساکن در کشتارگاه شیعه مذهب هستند. این تفاوت در مذهب می‌تواند خود سرمنشا بسیاری از تفاوت‌ها و اختلاف‌ها شود. همین‌طور افغان‌ها اغلب دارای قومیت‌های متعدد و متفاوت با یزدی‌ها از جمله دارای قومیت پشتو و هزاره و... هستند که متناسب با این قومیت متفاوت، دارای زبان پشتو و دری و ... هستند که با زبان فارسی و لهجه یزدی تفاوت دارد.

"نوع فرهنگ"، **"نوع آداب و رسوم"**، مذهب و قومیت متفاوت میان ساکنان و مهاجران منجر به ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها و آداب و رسوم خاصی می‌شود که می‌تواند زمینه شکل‌گیری تقابل فرهنگی و اجتماعی در این محله شود. بیشتر مهاجران از اقشار پایین و فقیری‌اند که دارای فرهنگی پایین هستند و باعث تغییر در بافت فرهنگی جامعه می‌شوند.

"شرایط کاری"، **"جمعیت انبوه"**، ایران به لحاظ اقتصادی دارای مشکلات بسیار زیادی است که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. تورم، کمبود دستمزدها، رکود تولید، تحریم و به‌ویژه بیکاری از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی ایران به شمار می‌آیند. با حجم عظیم افراد بیکار در جامعه، مهاجرین بسیاری از شغل‌ها را اشغال کرده‌اند که موجب نارضایتی اهالی محله شده است و مردم این مهاجران را عامل بیکاری می‌دانند. در بعد جمعیتی نیز، خانواده‌های افغانی دارای نرخ بالای فرزند آوری و گسترده هستند که به مرور زمان باعث به هم خوردن ترکیب جمعیت محله کشتارگاه و همین‌طور کل کشور می‌شود که این مسئله نیز باعث نگرانی‌هایی در حوزه مذهبی، امنیتی، اقتصادی خواهد شد و زمینه تقابل فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کند. محمد مردی ۲۹ ساله و کارگر می‌گوید:

"ایرانی‌ها فکر می‌کنند ما باعث بیکاری در کشورشان شده‌ایم و ما را در این رابطه مقصر می‌دانند در صورتی که کارهایی که ما حاضر به انجام آن‌ها می‌شویم بسیار سخت و طاقت فرسا است که بسیاری از ایرانی‌ها حاضر به انجام آن‌ها نیستند."

شرایط زمینه‌ای

آغاز جنگ میان نظامیان وابسته به شوروی سابق و شبه نظامیان در کشور افغانستان و شرایط اقتصادی و اجتماعی پایین و افزایش فقر و بیکاری و کاهش امنیت و آوازی در آن کشور زمینه مهاجرت بسیاری از افغان‌ها را در جهت پیدا کردن امنیت جسمی، روانی و اجتماعی به ایران فراهم می‌کند. رحمان حدودا ۵۵ ساله، در پاسخ به این سوال که: چه عواملی باعث شد شما به ایران بیایین؟ می‌گوید:

"چون اوضاع اقتصادی کشورم بخاطر جنگ بهم ریخته بود و کار برایم نبود و دچار مسائل مالی بودم دست به مهاجرت زدم و ابتدا خودم به صورت غیرقانونی به ایران آمدم و بعد از مدتی کار در اینجا و بدست آوردن مقداری پول، برگشتم و خانواده‌ام را به این‌جا آوردم".

پدیده (تغییرات و تفاوت‌های ارزشی و هنجاری)

همان‌طور که بیان شد شرایط علی منجر به ایجاد تغییرات گسترده ارزشی و هنجاری در نگرش اهالی ساکن در محله کشتارگاه خواهد شد، این تغییرات را می‌توان در سطوح و موارد زیر مشاهده کرد: کمبود امنیت اجتماعی، تعارض فرهنگی، ارتباطات درون قومی، کشمکش اجتماعی، طرد اجتماعی، سلطه‌ی اجتماعی فرهنگی، تحریم اجتماعی، تغییرات جمعیتی، کنترل اجتماعی، از هم گسیختگی اجتماعی. در رابطه با تحریم اجتماعی، کریم مردی ۴۷ ساله ساکن در محله کشتارگاه یزد می‌گفت:

"در ایران به فرزندان ما افغانی‌ها اجازه نمی‌دهند وارد مدارس شوند و ما مجبوریم فرزندان خود را در مدارس غیرانتفاعی با شهریه بالا ثبت نام کنیم و این هزینه اش برایم که یک کارگر هستم سرسام‌آور است".

نصیبه دختری تقریباً ۱۷ ساله در رابطه با ارتباط و دوستی با اهالی این محله می‌گفت:

"خانواده‌های یزدی در این محله به بچه‌هایشون اجازه دوستی با ما افغانی‌ها را نمی‌دهند و همیشه آن‌ها را از دوستی با ما منصرف می‌کنند و من در اینجا خیلی احساس تنهایی می‌کنم چون یزدی‌ها فقط با خودشون رابطه برقرار می‌کنند".

شرایط مداخله‌گر کنش

در کنار عوامل علی که بر پدیده "تقابل فرهنگی و اجتماعی" تاثیر گذاشته اند می‌توان به مجموعه‌ای از عوامل مداخله‌گر کنش از جمله: "سرخوردگی مردم"، "مسائل سیاسی"، "تفاهات ناخواسته" اشاره کرد که به کارگیری راهبردها را در زمینه "تقابل فرهنگی اجتماعی" را تسهیل یا محدود می‌کند. زینب زنی ۳۲ ساله و دارای دو فرزند می‌گوید:

"در ایران به شوهران ما افغانی‌ها اجازه کار رسمی داده نمی‌شود و همچنین فرزندان ما هم بخاطر اینکه فاقد مدارک اقامتی هستیم از تحصیل منع می‌شوند".

راهبردهای تعاملی کنش

"راهبرد" سازوکار و تدبیری است که در برخورد با یک "پدیده" خاص به کار گرفته می‌شود (ازکیا و احمدش، ۱۳۹۱: ۱۶). افراد جامعه مورد مطالعه ما در خصوص پدیده "تقابل فرهنگی اجتماعی" راهبردهایی مانند: ترک محیط، بازگشت به مبدأ، تحمل شرایط، واکنش و مقابله با عوامل پیش رو، را در پیش گرفته‌اند. برای مثال: زهرا مادر دو کودک، حدوداً چهل ساله می‌گوید:

"با اینکه همسایه‌ها خیلی نگاه خوبی به ما ندارند و مارا به چشم غریبه می‌بینند و ما اینجا اذیت می‌شویم/اما ترجیح می‌دهم همین جا بمانم و شرایط را تحمل کنم چون هرجا بروم وضعیت ما همین طوری است و با ترک محیط وضعیت عوض نمی‌شود".

علی کارگر ساختمانی ۲۷ ساله نیز در این رابطه این گونه اظهار نظر می‌کند:

"اگر اوضاع اقتصادی کشورم روبه‌راه شود و صلح و ثبات برقرار شود حتما به کشورم بر می‌گردم".

پیامدهای به کارگیری راهبردها

به کارگیری هریک از راهبردها از سوی افراد مورد بررسی می‌تواند پیامدهایی را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی بدنبال داشته باشد. برای مثال در زمینه راهبرد "تحمل شرایط" و پیامدهای امنیتی می‌توان گفت: چون اکثر این مهاجران به صورت غیرقانونی و غیرمجاز وارد منطقه شده اند منجر به گسترش احساسات بیگانه ستیزی در محله شده و زمینه را برای ناسازگاری و بزهکاری مهاجران در منطقه فراهم می‌کند و حضور آن‌ها را برای محله یک نوع تهدید تلقی می‌کند. برای مثال؛ می‌توان گفت چون، کشور افغانستان به دلیل نداشتن ثبات سیاسی و دولتی قدرمند جایگاه امنی برای حضور اشرا و تروریست‌هاست و از آنجا که مرزهای طولانی با این کشور داریم و کنترل تمام مرزها مشکل است باعث ورود نیروهای تروریستی در قالب گروهک‌ها و یا انفرادی شده است. افرادی که معمولاً به صورت غیرمجاز وارد استان‌های ما می‌شوند غالباً هویت آنها مشخص نیست و این عامل می‌تواند باعث نفوذ افراد مرتبط با گروه‌های تروریستی در کشور و استان شود که مشکلات امنیتی بسیاری را در بردارد.

جمع بندی و ارایه نظریه زمینه ای

با توجه به آنچه که در بخش‌های قبل درباره تغییرات و تفاوت‌های ارزشی در حوزه باورهای مذهبی، ارزش‌های قومیتی و فردی و جمعی که بین اتباع افغانی و ساکنین یزدی در محله کشتارگاه وجود داشت می‌توان ادعان کرد که وجود چنین اختلاف‌ها و همچنین شرایط زمینه ای و استراتژی‌ها و پیامدهایی که در پی داشته منجر به شکل گیری تقابل فرهنگی و اجتماعی در میان افراد مورد بررسی و همچنین نگرش منفی در میان ساکنین محله کشتارگاه نسبت به همسایه‌ها و مجاوران افغانی شده است.

بنابر آن چه گفته شد، مطالعه میدانی و بررسی داده‌های برگرفته از تجارب زیسته مهاجران و نیز واکنش و تعامل افراد بومی با آنها ما را به ارایه نظریه "زیستن در وضعیت پاندولی" رهنمون شده است. به عبارت دیگر، بین بومی و مهاجر نوعی بازی دوگانه توام با سویه‌های طرد و جذب جریان دارد. از یک طرف مهاجران به مثابه "دیگری" و از طریق سکونت و زیست در حواشی و نواحی محروم شهر، کارکرد رفع نیازهای مرتبط با امور سطحی، دم دستی و پیش پافتاده و ... را برای افراد بومی ایفا می‌کنند. از این منظر، فرد مهاجر نقش قابل توجهی در ارضای حس "من برتر" افراد بومی دارد. و از طرف دیگر، مهاجران از طریق برجسته نمودن تمایزات فرهنگی، اجتماعی و ارزشی در کنش‌های روزمره خود با جامعه

مقصود، به برساخت حس عدم پذیرش و طرد کمک می‌کنند. همین امر مهاجر را در یک وضعیت برزخی-پاندولی مبتنی بر پذیرش و طرد نگه می‌دارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و احمدرش، رشید (۱۳۹۱)، تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان (بررسی موردی: مناطق روستایی موکریان)، مجله توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲.
- احمدی موحد، محمد (۱۳۸۲) بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مهاجران افغانی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- پاول، رونالد، ار. (۱۳۷۹) روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه‌ی نجلا حریری. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- پرویش، تکت (۱۳۸۳) مقایسه‌ی رفتارهای باروری مهاجران افغانی با بومیان ساکن در منطقه‌ی گلشهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۱) مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات نیا.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۲) مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: نشر سفیر.
- محسن شاطریان و محمود گنجی‌پور (۱۳۸۹) تأثیر مهاجرت افغانها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره سوم، ص ۸۸.
- جرنی، جی. دی. (۱۳۶۷) مهاجرت و توسعه روستایی، ترجمه فرهاد ماهر، مرکز تحقیقات روستایی، ص ۵۸.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۳) تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، ص ۶۸.
- جلالیان، حمید و محمدی پگانه، بهروز (۱۳۸۶) تحلیل عوامل جغرافیایی موثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان زنجان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۱، ص ۸۹.
- حریری. نجلا (۱۳۸۵) اصول و روش‌های پژوهش کیفی، واحد علوم تحقیقات، چاپ اول، صص ۱۱۱، ۱۴۵، ۱۳۳، ۲۳۶.
- خباز بهشتی، زهرا (۱۳۸۰) مهاجرت: بررسی مشکلات مهاجران، تهران: آشیانه کتاب.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران: سمت، ص ۱۲۹.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، تهران: نشر نوید.
- ماهر، فرهاد (۱۳۶۹) تأثیر کارگران افغانی بر کشاورزی در ایران، وزارت جهاد کشاورزی، ص ۱۰.
- موبوگنج، اکلین (۱۳۶۸) رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر، ترجمه حمید خضر نجات، گردآورنده: عبدالعلی لهسایی زاده، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید، ص ۱۴۷.

- مزیدی، احمد و زارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۵). دلایل حضور مهاجرین روستایی در شهر یزد و وضعیت آنها، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ش ۷، ص ۱۴۸.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۴) مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه‌ی مقصد، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ص ۴۴.
- مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (تهران: مرکز آمار ایران، دفتر انتشار و اطلاع رسانی، ۱۳۸۶)، ص ۲۰.
- وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴). مهاجرت بین المللی و پیامدهای آن، سازمان برنامه و بوجه. تهران.
- Abbasi_Shavazi, Mohammad Jalal and Diana Glazebrook (2006) Continued Protection, Sustainable Reintegration: Afghan Refugees and Migrants in Iran , Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Abbasi_Shavazi, Mohammad Jalal, Diana Glazebrook, GholamReza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi (2005 b) Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran Islamic Republic of Iran, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Bilsborrow, R. E. F (1984) Migration Survey in Low Icon Count, ries, Australia. Sydney Greom Helm.
- Chandra, R. C and Manj, S (1980) introduction to Population Geography, kalia. Publisher
- denzin , n. k . and Y. S . Lincoln (eds) . (1994). Handbook of qualitative research. Thousand Oaks, CA :Sage.
- Fawcett, T. James et al (1982) Reason for Moving and migration Behavior, World Development, Vol. 10, No. 4, P 109.
- Herbele, R (1938) The Causes of Rural- Urban Migration: A Survey of German Theories, American Journal of Sociology, No 43 .
- Maxwell , J .A. (1996) . Qualitative research design :An interactive approach . Thousand Oaks, CA :Sage. pp: 17 , 70.
- Mobbrucker, H (1997) Amerindian Migration in Peru and Mexico, in Cities in the Developing World: issues. Theory and Policy, Edi by J. Gugler, Oxford University Press.
- Saito, Mamiko and Hunte Pamela (2007) To Return or to Remain: The Dilemma of Second-Generation Afghans in Pakistan, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Strauss , a . and, j . corbin (1998) . basics of qualitative research : techniques and procedures for developing grounded theory . 2ed . Thousand Oaks, CA :Sage.
- Strauss , a . and, j . corbin (1994). Grounded theory methodology : An overview . In N. K Denziv and Y. S. Lincoln (eds) . handbook of qualitative research . Thousand Oaks, CA :Sage . pp . 273- 285 .
- Polkinghorn , D.E. (1989). Phenomenological research methods. In R. S. Valle and S. Halling (eds) Experimental phenomenological perspectives in psychology . New York: Plenum Press. pp. 41-60.
- Portez, A (1978) Migration and Underdevelopment, Politics and Society, Vol8, No1.
- Totomorn, M. and Alicea, M. (2004) Migration and Immigration: A Global View. (Westport: Greenwood Press).
- UNHCR (2003) Afghanistan Refugees Return to Uncertain Future. Internet news, jan,22.